

## نظم و امنیت در تراز تمدن نوین اسلامی «نیروی انتظامی یار مهربان و مقتدر»<sup>۱</sup>

طوبی کرمانی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۱۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۲۶

فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی ناجا/ سال سوم / شماره دهم - زمستان ۱۳۹۷\* ۷-۲۲

### چکیده

مقاله حاضر به تقدم حکیمانه «نظم و امنیت» بر «تمدن نوین اسلامی» می‌پردازد و اینکه «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» زیباترین واژه انتخابی برای این نهاد مقدس است؛ زیرا اقتدار، نظم‌دهی و امنیت‌بخشی شاکله اسمی و رسمی این نیرو است.

مقایسه اجمالی امنیت در نگاه غربی و اسلامی موضوع دیگری است که در این مقاله بررسی می‌شود. برخلاف آموزه‌های اسلامی و فرمایشات مقام عظمای ولایت که امنیت و نیروی انتظامی همواره ایجابی است، در باور غربی، امنیت همواره به معنای سلبی تعریف می‌شود و به کار می‌رود. در تحلیل فرمایشات مقام معظم رهبری، امنیت از اساسی‌ترین ارکان و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی است.

امنیت و حافظان آن را می‌توان به سه مقوله «تعریف»، «گستره» و «راهکارها» دسته‌بندی کرد. نیروی انتظامی در این تعریف و بازخوانی، مایه پیشرفت مادی و معنوی نظام و جامعه لحاظ و از آن به عنوان مظهر حاکمیت و امنیت و یار مهربان و مقتدر نظام و مردم یاد شده است که مردم باید این اقتدار و احترام را احساس کنند. نیروی انتظامی باید اقتدار، عدالت، مروت و ترحم را شاکله امنیت و خود بداند و نه صرفاً کارویژه. در تشبیه امن الهی به امنیت عمومی و تشبیه این نیرو در ذات و صفات و افعال به ذات اقدس حق، زیباترین، عمیق‌ترین معنا و مسئولیت فهم و القا می‌شود و انتظار می‌رود.

در مقوله «گستره»، حدّ یقفی برای امنیت و نیروی انتظامی تعیین نشده و سیطره آن علاوه بر آنکه همه ابعاد زندگی مادی انسان‌ها را دربرمی‌گیرد، بلکه بعد معنوی و عبودیت و تقرب به خدا نیز در سایه و استقرار آن تعریف می‌شود و تحقق می‌یابد. در مورد «راهکارها» نخست، سلامت و صداقت و تزکیه خود این نیرو مورد توجه است تا به سلامت بار مسئولیت نظم و امنیت را با همه گستره عهده‌دار شود. برای «نظم» به ویژه نظم عمومی نیز معنای تمام‌شمولی

۱. فرمایشات مقام عظمای ولایت در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی، ۹۵.۲.۱۹

۲. استاد فلسفه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران

دیده شده که هماهنگی «کلام تکوینی خدا» و «کلام تشریحی خدا» و «کلام بشری» مؤید آن است و اینکه نظم با فرمان و دستور، قابلیت اجرا ندارد و عارضی نیست، بلکه بر منطق «دلالت» استوار است.

در بخش دیگر مقاله به اختصار به مؤلفه‌های اساسی تمدن نوین اسلامی همچون خردورزی، انسان خلیفه خدا- انسانی آزاده و با کرامت- نگاه هدفمند به عالم هستی، جامع‌نگری به همه ابعاد زندگی، عدالت و صلح مبتنی بر عدالت، مردم‌سالاری دینی... و نظم و امنیت حداکثری در این تمدن اشاره شده است. ناگفته نماند تمدن نوین اسلامی، ظرف از پیش ساخته نیست، بلکه مؤلفه‌های مهم محتوایی، قالب این تمدن را ترسیم می‌کند.

در پایان مقاله به استناد فرا‌هایی از سوره یوسف، تعهد و تخصص این نیرو برای برقراری امنیت حداکثری و جامع، مطرح و با بیان داستان شعیب و موسی(ع) از سوره قصص، نظم و امنیت نیروی انتظامی در تراز تمدن نوین اسلامی تحدید شده است.

## واژگان کلیدی

امنیت، نظم، تمدن نوین اسلامی، گستره، تراز تمدنی

## مقدمه

تقدم نظم و امنیت بر تمدن نوین اسلامی در موضوع، قطعاً حکیمانه و دال بر آن است که دو مقوله نظم و امنیت زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی و مؤلفه‌ها و مقوم و عامل بقای آن هستند. در واقع جمهوری اسلامی ایران مدعی احیای تمدنی به نام «تمدن توحیدی» است که در آن عبودیت و توحید محور زندگی است و سبک و شیوه زیست این تمدن، تقوا، نظم، امنیت و عدالت است. قبل از ورود به مطلب، نام با مسما «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» را برای این نهاد تقدیس می‌کنم. این نام حکایت از هویت مقدس، مسئولیت و توان و اقتداری دارد که وفاداری و احترام به این گل‌واژه‌ها، شاکله تمدن نوین اسلامی را تعیین و تضمین می‌کند. در اهمیت این نیرو باید یادآور شد که انسان‌ها همواره در صفحه تلویزیون و پرده سینما با بازیگران در صحنه مواجه هستند و با طراحان و کارگزاران پشت صحنه ارتباط مستقیم ندارند. نیروی انتظامی نیز ضمن طراحی و کارگردانی، مونیتور هر سیستم و تمدن و نظامی است که همواره با مردم در ارتباط مستقیم است و ضروری‌ترین نیاز جامعه یعنی نظم و امنیت

را برآورده می‌کند. مشابهت مسئولیت این نیرو با رسالت پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله) بسیار زیباست. حضرت همچون سایر انبیای الهی، همواره دعوتش به ایمان به خدا بوده است تا در سایه ایمان به خدا، امن و امنیت برای مردم حاصل شود. پیامبر گرامی اسلام (صلوات الله علیه و آله) از آغاز بعثت درصدد بیان ارتباط مستقیم ایمان به خدا و رستگاری بود که امنیت یکی از مصادیق مسلم آن است: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا».

با کلمه ایمان نه فقط در کاربرد دینی آن که با کاربردهای عمومی آن نیز همواره آشناییم. در قرآن کریم واژه «أَمِنَ» با ۶۲ مشتق آن حدود ۸۷۹ بار تکرار شده که دلالت بر آن دارد که «در منطق الهی، ایمان و ایمنی توأمانند» (شریعتمدار جزایری و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۳).

اصل امنیت به خدا منتسب است و عدم امنیت ریشه در شرک به خدا و وابستگی به غیر دارد. در فرهنگ اسلامی، ایمان هم پایه امنیت است و هم هدف آن. ایمان از این جهت که امنیت واقعی و حقیقی در گرو ایمان است، پایه امنیت است: «وَلَيَبْدَلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ حَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (نور/۵۵) و «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸).

«امنیت» از موهبت‌ها و نیازهای ضروری و آغازین بشر است<sup>۱</sup> که ضامن بقای حیات مادی و معنوی انسان‌هاست و به دلیل نقش مهم آن در تحقق کارویژه اصلی نظام اسلامی وسیله‌ای در خدمت تقرب به خداوند است. بر اساس این دیدگاه، در جامعه‌ای که امنیت وجود نداشته باشد، سلوک الی الله، عبودیت و به طور کلی یاد خدا فراموش می‌شود.

در اسلام و قرآن، امنیت در تعبیر فراخ و موسع آن مد نظر است. از آنجا که اسلام دیدگاه همه‌جانبه‌تری نسبت به امنیت دارد، مرجع امنیت را هم حکومت می‌داند، هم ملت، هم آحاد مردم و هم حقوق آنها (جهان‌بزرگی، ۱۳۸۸: ۲۸؛ همچنین رک: لک‌زایی، ۱۳۸۵: ۸).

با نگاهی به آموزه‌های دین اسلام و فرمایشات مقام عظمای ولایت، امنیت را با مصداق واقعی آن- نیروی انتظامی- در سه مقوله تعریف، گستره و راهکارها برای یافتن جایگاه تراز می‌توان دسته‌بندی کرد:

## ۱. تعریف

امنیت از نگاه قرآن و اسلام مؤلفه‌هایی دارد. قرآن کریم امنیت ایمانی را به عنوان امنیت «معیار» مطرح می‌کند که در کانون توجه اسلام قرار دارد. این مفهوم هر سه معنای امروزی «امنیت عینی، ذهنی و آرامش و اطمینان قلبی» را بازنمایی می‌کند. البته در اسلام تأمین امنیت درونی

۱. «امنیت موضوع درجه یک است» (فرمایشات مقام عظمای ولایت در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی، ۹۵/۲/۱۹).

از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا عوامل درونی ایمان مردم را تهدید می‌کنند؛ از این رو بر مواجهه جدی با عوامل نفسانی تأکید و از آن به عنوان جهاد اکبر یاد می‌شود. امنیت در لغت حالت فراغت از هر گونه تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین‌المللی به کار برده می‌شود (آشوری، بی تا: ۳۸).

واژه امنیت ابتدا در ادبیات سیاسی آمریکا به شدت رواج یافت. والتر لیپمن، محقق و نویسنده آمریکایی، نخستین کسی است که مفهوم امنیت ملی را به روشنی تعریف کرد: «امنیت حالت فراغت نسبی از تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند.» البته چرایی این تعریف سلبی روشن است. چنان که بحث فمینیسم در غرب برای تقابل و تعارض پدیدار شد، بحث امنیت نیز در این خاستگاه جز به معنای تقابل نمی‌تواند باشد و این دو تعریف و جریان از امنیت و فمینیسم، دو پادزهر از میکروب مبتلا به امور سیاسی و خانوادگی و زن در غرب است و لاغیر.

ایان بلانی<sup>۱</sup> تعریف زیر را از امنیت ارائه کرده که همچون تعریف فوق کاملاً معنای سلبی دارد: «امنیت یعنی رهایی نسبی از جنگ» (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۶، به نقل از ویکی‌پدیا). صاحب‌نظر دیگری به نام لارونی مارتین<sup>۲</sup> در تعریف امنیت می‌گوید: «امنیت عبارت است از تضمین رفاه آتی.» اگرچه این تعریف بر مبنای نگرش وسیع‌تری از امنیت صورت گرفته، اما اینکه آیا امنیت به خودی خود می‌تواند باعث تضمین رفاه شود، جای سؤال دارد؛ با این حال شکی نیست که رفاه از لوازم امنیت است.<sup>۳</sup> در مقابل نگاه فوق، بیان رهبر معظم نظام اسلامی بسیار شنیدنی است: «نیروی انتظامی مظهر حاکمیت و امنیت جمهوری اسلامی است؛ بنابراین باید اقتدار داشته باشد، اما این اقتدار به معنای ظلم کردن و حرکت بی‌مهاری نیست. ما به دنبال اقتدار پلیسی هالیوودی و جوامع غربی و آمریکایی نیستیم. اقتدار هالیوودی نه تنها امنیت ایجاد نخواهد کرد، بلکه موجب ناامنی هم خواهد شد. اقتدار مطلوب نظام اسلامی، قاطعیت در کنار عدالت، مروت و ترحم است؛ همان‌گونه که ذات مقدس پروردگار در عین آنکه رحمان و رحیم است، صاحب عذاب الیم نیز است.» در تشبیه امن الهی به امنیت عمومی و تشبیه این نیرو در ذات و صفات و افعال به ذات اقدس حق از سوی مقام رهبری، زیباترین، عمیق‌ترین معنا و مسئولیت، فهم و القا می‌شود و انتظار می‌رود. ایشان به دلیل اهمیت مطلب، مکرر

1 . Ian Bellany

2 . Iurene Martin

۳ . ایشان امنیت را یکی از ارکان اساسی رشد و پیشرفت کشور خواندند.

می‌فرمایند: «لازمه برقراری امنیت، اقتدار پلیس است، اما این اقتدار باید همراه عدالت، مروت و ترحم باشد. ایجاد و استقرار امنیت به عنوان مأموریت اصلی نیروی انتظامی است ... ولی ایجاد امنیت، مقوله‌ای تبلیغاتی و لسانی نیست، بلکه وجود امنیت را باید مردم احساس کنند» (فرمایشات مقام عظمای ولایت در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی، ۹۴/۲/۶). باید تصویر یک یار مهربان و مقتدر از نیروی انتظامی در ذهن مردم ترسیم شود.

## ۲. گستره

بحث امنیت در فقه و معارف اسلامی بحث مستقلی نیست و با موضوعاتی مانند ایمان، صفات مؤمنان، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، دفاع فردی و عمومی، جهاد، برقراری قسط و عدل، قضاوت، اجرای حدود الهی، امانت و امانت‌داری، برخورد با اشرار، محاربان، یاغیان، مفسدان و جاسوسان، رفع فقر و محرومیت، عدم سلطه بیگانگان، نوع تعامل با کفار و مشرکان و... گره خورده است (اخوان کاظمی، بی تا: ۱۲).

امنیت در اسلام با همه وسعتش در دایره معنایی و کاربردی آن اعم از فردی، خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی، شهری، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی، اقتصادی، روانی و بهداشتی مورد توجه است و البته امروزه امنیت شبکه‌های اینترنتی و دنیای مجازی از مقوله‌های بسیار سنگینی است که علمای اسلام و مسئولان نظام از جمله نیروی انتظامی در این خصوص باید بسیار حساس باشند.

قبل از ۱۹۴۵ امنیت جنبه نظامی داشت و توصیه سیاستمداران و نظامیان در آن دوره این بود که دولت‌ها با داشتن توان نظامی برتر، امنیت بیشتری به دست می‌آورند؛ یعنی آمادگی نظامی هدف ایده‌آل امنیت به حساب می‌آمد. تا اواخر دهه ۱۹۸۰ یک دیدگاه محدود به امنیت مطرح بود؛ به گونه‌ای که بحث امنیت روی موضوعات نظامی تمرکز داشت؛ یعنی نوعی دید تقلیل‌گرایانه نسبت به امنیت حکم‌فرما بود و امنیت در توانایی‌های نظامی و برقراری صلح بعد از جنگ‌ها جست‌وجو می‌شد (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۳)؛ چنان که امروزه متأسفانه از صلح هم معنای سلبی القا می‌کنند. در دوران معاصر، صلح، مفهومی کاملاً منفی به خود گرفته است. مفهومی مخالف جنگ یعنی نبودن رابطه خصمانه میان افراد و دولت‌ها؛ اما همین کلمه (pan) در قاموس فلسفی اگوستین<sup>۱</sup> مفهومی مثبت دارد و شامل شرکا و افرادی می‌شود که در توافقی سهیم هستند؛ بنابراین وجود صلح بدون وجود شریک، همان قدر غیرطبیعی است که

۱. اگوستین مسیحی (م ۴۲۹-۳۵۴) که از آثار مهم وی «شهر خدا» است.

وجود جنگ بدون دشمن. پس صلح به مفهوم مثبت این کلمه، هدفی است که تمام مردمان و آفریدگان جهان به حکم قانون طبیعی خلقت، برای رسیدن بدان کوشش می‌کنند (فاستر، بی‌تا: ۴۱۷). دقیقاً بر خلاف نگاه امروز استکباری، که یک طرف صلح، حاکم و طرف دیگر، محکوم است، یک طرف صلح، ظالم و طرف دیگر، مظلوم است.

صلح حتی از معنای نبودن جنگ و ستیز، نبودن جنایت، نبودن مواد مخدر، نبودن خشونت، نبودن قتل و خون‌ریزی و فقدان انسان‌های مبتلا به کینه و نفرت، برتر است. صلح به معنای عشق، امید، امنیت، عدالت، آرامش و خانواده است. صلح به معنای آزاد بودن و زیستن در آرامش است. در نگاه اسلامی، وضعیت به گونه‌ای دیگر است و صلح و امنیت به معنای پیشگیری از بروز اختلاف، نزاع و جنگ است.

از ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰ مفهوم امنیت گسترده‌تر شد و دیگر محدود به مسائل نظامی نماند و معنی قدرت از شکل نظامی آن به اشکال اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعمیم یافت. از ۱۹۹۰ به بعد جهان به مثابه یک دهکده شد. مفهوم امنیت [برخلاف] دوره نخست که بعد «نظامی - سرزمینی» یک‌جانبه داشت، در دوره دوم ابعاد مختلف نظامی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یک‌جانبه پیدا کرد و به دلیل یکدست شدن جامعه جهانی، همه مسائل به یکدیگر مرتبط و نزدیک شد. یکی از مسائل صحنه بین‌المللی، کشمکش قدرت‌هاست. طبق این بیان به نظر می‌رسد دولت‌ها اسیر کشمکش قدرت هستند و امنیت از مشتقات قدرت و به ویژه قدرت نظامی است. مفهوم امنیت آنقدر تحدید شده که به بیان چگونگی وضعیت گروهی از دولت‌ها در کشمکش قدرت تقلیل یافته یا به میزان ثبات در توازن کلی قدرت اطلاق شده است. بدین ترتیب می‌توان گفت امنیت به واژه‌ای معادل یا شبیه قدرت تبدیل شده که در حوزه گسترده عمومی چندان معنای مستقل ندارد و همواره در کشمکش قدرت در روابط دولت‌ها بررسی می‌شود. سیاست‌گذاران مذکور سیاست‌های امنیتی را نه بر مبنای یک درک کلی از امنیت، بلکه بر اساس منافع سیاسی، اقتصادی، استراتژی و جغرافیای خود وضع می‌کنند که در اکثر مواقع این‌گونه سیاست‌ها از آنجا که با منافع امنیتی واحدهای سیاسی دیگر در تضاد قرار می‌گیرد، خود به عامل امنیت‌زدا در سطح بین‌المللی تبدیل می‌شود و پدیده معمای امنیتی را به وجود می‌آورد؛ به این معنی که افزایش امنیت یک جامعه یا دولت به طور خودکار باعث کاهش امنیت دولت دیگر می‌شود (ویکی پدیا) و این همان تعبیر رهبری نظام اسلامی از امنیت هالیوودی است که نه تنها امنیت ایجاد نخواهد کرد، بلکه موجب نا امنی هم خواهد شد

و یک دور باطل تلاش برای رسیدن به «وضعیت امن»<sup>۱</sup> به عنوان اولویت نخست سیاست‌های واحدهای سیاسی مختلف است.

ایجاد امنیت فردی، اجتماعی، اخلاقی و روحی و روانی در جامعه از مهم‌ترین مسئولیت‌های نیروی انتظامی است. نیروی انتظامی در ابعاد مختلف امنیت، اعم از امنیت در رفت و آمد جاده‌ای، امنیت شهرها، مرزها و مراکز مختلف نباید به هیچ حدی قانع باشد (فرمایشات مقام عظمای ولایت در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی، ۹۴/۲/۶).

رهبر انقلاب اسلامی با استناد به قرآن کریم، امنیت را مایه افزایش ایمان مؤمنان دانستند: «وَلْيَبَدِّلْهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (نور/۵۵). سخن بزرگی که دنیای امروز از آن غافل است یا تغافل می‌کند، وجود رشته محکم بین دین و دنیا و ایمان و امنیت و بالاخره معنای زندگی رایج در زبان امروزی است.

مقام رهبری امنیت را به معنای «آرامش روانی فردی و آرامش عمومی اجتماعی» می‌شمرند. در نبود امنیت، حتی با وجود توانایی و انگیزه میان افراد یک جامعه، امکان فعالیت‌های متنوع اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و خدماتی از بین می‌رود. ایشان با اشاره به خدمات گسترده نیروهای انتظامی در کشور، بر توجه ویژه به نقش کلانتری‌ها به دلیل مواجهه مستقیم با آحاد جامعه تأکید می‌کنند.

### ۳. راهکارها

به دلیل سطح گستردگی ارتباط نیروی انتظامی با مردم، سلامت نیرو در این سازمان بسیار مهم است، به گونه‌ای که یک نیروی درستکار و قاطع می‌تواند مایه آبروی نظام جمهوری اسلامی در مقابل دیدگان مردم شود.

به علت لزوم ارتقای جهات اعتقادی و اخلاقی و همچنین اتکا به علم و ابتکارات علمی در نیروی انتظامی، مسئولان بخش‌های مختلف باید با این نیرو همکاری داشته باشند (فرمایشات مقام عظمای ولایت در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی، ۹۴/۲/۶).

رهبری همچنین در خصوص سلامت فکر و عمل و اخلاق کارکنان و تأمین امنیت اجتماعی و اخلاقی، نکات ارزشمندی دارند: «برنامه‌ها را بر «عقل و منطق»، «عزم و اقتدار» و «قانون‌گرایی و عطوفت» استوار کنید تا تصویری کاملاً مطلوب از ناجا در ذهن مردم قدرشناس ترسیم شود.

«اقتدار و قاطعیت بدون بی‌رحمی»، «سلامت درونی»، «حضور به‌هنگام و سریع»، «عطوفت و کمک به مردم» و «قانون‌گرایی» عواملی هستند که موجب ارائه تصویری مثبت از نیروی انتظامی خواهند شد. «وجود نظارت دقیق، همه‌جانبه و دائمی» نیز از لوازم ارائه این تصویر مثبت و زیبا از نیروی انتظامی است (فرمایشات مقام عظمای ولایت در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی، ۹۵/۱۲/۱۹).

تحقق موارد فوق، زمینه‌ساز پیشرفت نیروی انتظامی و سهیم شدن این نیرو در پیشرفت عمومی کشور خواهد بود.

قرآن کریم در بیانی بسیار لطیف در خصوص تعهد و تخصص حافظان و امینان جامعه به نقل سوره یوسف می‌پردازد (۵۴ و ۵۵) که کلام مقام رهبری تفسیر این مفاهیم قرآنی است: توانایی‌ها و آمادگی‌های نیروی انتظامی و عزم و ایمان کارکنان آن باید روزبه‌روز ارتقا پیدا کند. فرمانده کل قوا با اشاره به تغییرات سریع در بخش‌های مختلف از جمله پیشرفت‌های علم و فناوری، لزوم «افزایش آمادگی‌ها و به‌روزرسانی توانایی‌ها»، «شناخت و انجام کامل وظایف» و «تبیین دقیق فعالیت‌ها و خدمات برای مردم در رسانه‌ها» را در جهت تأمین و ارتقای امنیت کشور یادآور شدند. «قال الملک ائتونی...» بیاورید یوسف را نزد من که از خاصان است. پادشاه مصر به یوسف خطاب کرد که تو امروز نزد ما امین و صاحب منزلتی. در پاسخ یوسف گفت که اگر امینم و صاحب منزلت، پس شایسته‌ترینم که حافظ خزینه ملک و ملک باشم: «اجعلنی علی خزائن الارض انی حفیظ علیم». حافظ جان و مال و ایمان مردم آن هم حفاظت و حضانتی فهیمانه و عالمانه از نیروی انتظامی و پلیسی در تراز تمدن نوین اسلامی ساخته است و لا غیر.

در همه توصیه‌های رهبری، نگاه به امنیت و حافظان و پاسداران و مخاطبان آن، ایجابی است و جنبه پیش‌گیری و تربیتی دارد. امنیت در گفتمان ایجابی به تأمین و تضمین آسایش و آسودگی نظر دارد. یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ، بتواند آن را به پیش ببرد (محمدی، ۱۳۸۱)؛ به ویژه تشیع که نوید آینده امن را در سایه ظهور و حکومت بندگان صالح می‌دهد؛ اما در گفتمان سلبی از ضروری‌ترین نیاز هر جامعه، امنیت فقط بر نبود خطر و تهدید نظر دارد.



نکته مهم در جهان امروز، نسبی بودن امنیت است و اینکه دستیابی به امنیت مطلق ناممکن است، زیرا قدرت که مبنای تحصیل امنیت محسوب می‌شود، متغیر، متفاوت و نسبی است و به تبع آن، امنیت حاصل برای دولت‌ها نیز نسبی است؛ بنابراین با تغییر میزان قدرت و وجود تهدیدهای بالقوه و بالفعل حتی قوی‌ترین دولت‌ها نیز امنیت مطلق ندارند. به طور خلاصه امنیت مطلق دست‌یافتنی نیست و هیچ نوع نظم اجتماعی نمی‌تواند بی‌ثباتی‌ها، خطرهای، ویرانی‌ها و کشتار را از بین ببرد.

امر مهم دیگری که در این خصوص باید مطرح کرد، ذهنی بودن امنیت است. اصولاً احساس امنیت یا عدم امنیت یک برداشت یا امری ذهنی است که ریشه در اعتقادات و باورهای مذهبی، اخلاقی و فرهنگی مردم و رهبران یک کشور دارد. از این مسئله می‌توان دو گونه بهره‌برداری کرد. به صورت ایجابی، با اتکا به یک قدرت لایتناهی مهربان و عادل و تقویت باورهای دینی به امنیت روانی و در نتیجه به عملیاتی و همگانی کردن امنیت کمک کرد و در صورت سیاسی آن، القای الوهیت این جهانی برای چند قدرت و اینکه در سایه آنها امنیت استقرار می‌یابد و اگر سلطه جهان قدرت نباشد - حتی با وجود امنیت در جوامع دیگر- مردم همواره باید احساس ناامنی کنند.

## نظم

یکی از اساسی‌ترین مفاهیمی که در سطح مباحث علوم اجتماعی، به خصوص حقوق کیفری مطرح است، مفهوم نظم عمومی است. این مفهوم که مبنای تمام‌شمول این علم است، به قدری حایز اهمیت است که حذف آن در این علم به معنای پایان دادن به حیات حقوق کیفری است. علاوه بر این در جامعه‌شناسی و فلسفه حقوق که بر همه علوم اجتماعی اشتراک دارد، مفهوم نظم عمومی بسیار درخور توجه است (محمدزاده، ۱۳۷۷-۱۳۷۸). در این خصوص مقالات و تحقیقات بسیاری موجود است، زیرا سؤال‌های مهمی در این زمینه مطرح است که آیا نظم عمومی از قواعد امری است یا تکمیلی؟ آیا نظم عمومی صرفاً جنبه حقوق داخلی دارد یا جنبه بین‌المللی نیز دارد؟ آیا نظم عمومی نسبی است یا مطلق است؟ (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۰: ۳) آیا اصولاً نظم عمومی، دستور فرمایشی است که فرد حاکم اعمال می‌کند یا معیاری است که سیاست جامعه یا حکمرانان سیاسی جامعه آن را تعیین می‌کنند یا اینکه جامعه خودش (مردم و اجتماع) هر چیز را که به صلاح خویش و به عنوان نظم عمومی

پسندید و به آن عمل کرد و آن نظم را بهتر دانست، تعیین می‌کند؟ آیا نظم عمومی، ماهیت عارضی دارد که بر جامعه حاکم می‌شود یا اینکه ماهیت ذاتی دارد که بر جامعه حاکم است و اصلاً قابل تغییر و تحول نیست؟ آیا نظم عمومی همان نظم اجتماعی است یا خیر؟ (آزمایش، ۱۳۸۴-۷۵: ۴)

به نظر می‌رسد عمومیت و کلیت مفهوم نظم عمومی بیانگر آن است که یک موضوع و مفهوم فلسفی است گرچه اصطلاح «نظم عمومی» مولود حقوق انقلاب فرانسه است. می‌توان ادعا کرد «نظم عمومی عالم، همان فلسفه هستی» است<sup>۱</sup> و این ادعا بنا بر اعتقاد بسیاری از اندیشمندان و دانشمندان عالم، اثبات می‌شود. دانشمندان معتقدند جهان یک مجموعه تصادفی نیست و با یک طراحی و نظم و هدایت‌های تکوینی و تشریحی خارق‌العاده در تمام جزئیاتش به صورت ایده‌آل، نسق می‌یابد و تفسیر پیدایش عالم براساس یک سرعت انفجاری عظیم بی‌نظم و بی‌شعور<sup>۲</sup> با سخنان اندیشمندان قابل جمع نیست. به گفته پل دیوید، پروفیسور فیزیک و ریاضی دانشگاه آدلاید: «اگر سرعت گسترشی که از انفجار بزرگ به وجود آمد، فقط به اندازه یک میلیاردم متفاوت می‌بود، جهان هستی به وجود نمی‌آمد». استفان هاوکینگ در کتابش به نام «خلاصه‌ای از تاریخ زمان» می‌نویسد: «این دقت و نظم خارق‌العاده را سرعت گسترش جهان تصدیق می‌کند. اگر سرعت انبساط (توسعه) در یک ثانیه پس از انفجار بزرگ حتی کمتر از یک در صد هزار میلیون میلیون، کوچک‌تر می‌بود، جهان قبل از رسیدن به اندازه کنونی مجدداً متلاشی می‌شد و از بین می‌رفت.»<sup>۳</sup> به نظر می‌رسد مطالب فوق، استدلالی است به گونه برهان خلف که نظم بی‌بدیل آفرینش را اثبات و تأیید می‌کند.

از همه مهم‌تر وجود ارتباطی منطقی و فلسفی بین «کلام تکوینی خدا»،<sup>۴</sup> «کلام تشریحی خدا»<sup>۵</sup> و نیز «کلام بشری» است. ادعا این است که هر نوع مفاهمه و فهمی، اعم از فهم کلمه الله («اراده تکوینی»)، فهم کلام وحی («تشریح») و فهم کلام بشری و اساساً فهم بین هر متکلم و مخاطبی- که از اهم موضوعات علم معاصر است- جز بر اساس نظامی منطقی، ناممکن و نامعقول است.

۱ . «سنریم آیتان فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق» (فصلت/۵۲).

2 . Big Bang

3 . <http://ourquran.blogspot.com/BalanceInTheWorld>

۴ . «کلمه الله هی العلیا» (توبه/۴۰).

۵ . وحی

معرفت و شناخت بشری نیز در دایره «کلمه الله» واقع و نظام‌مند و دارای منطق است و این نظم و نظام معرفتی، یکی دیگر از نقاط افتراق با تفکر مادی جهان غرب است. تفاهم بین افراد بشر نیز نظام‌مند است و این تفاهم نظام‌مند از طریق کلامی نظام‌مند تحقق می‌یابد. کلام و تکالم میان بشر نیز کلامی است نظام‌مند؛ یعنی مردم، اهداف خاصی را با سخن گفتن خود محقق می‌سازند؛ همان‌گونه که متکلم حقیقی عالم - خداوند - از طریق خلقت و نظم شگفت‌انگیزش، اهدافی را با کلام تکوینی و تشریحی خود، محقق کرده که همواره جاری در تمام هستی است. هر کلمه‌ای که انسانی عاقل آن را برای مخاطب معینی بیان می‌کند، به سبب همین «منطق دلالت» مشمول نظم بین متکلم و مخاطب بوده و ساختاری است که رابطه فهم و تفاهم بین متکلم و مخاطب را سامان می‌دهد. عالم نیز کلمه‌علیای خداست و از قاعده و نظام فوق، مستثنی نیست.

### تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی ظرفی از پیش آماده نیست که در آن موادی را بنشانیم، بلکه مواد این ظرف قالب و صورت آن را شکل می‌دهد و در مجموع از ظرف و مظهر و متعالی، نفس رحمانی استشمام می‌شود. رهبری به علت گستردگی ارتباط نیروی انتظامی با آحاد مردم، سلامت این نیرو را بسیار مهم برشمردند و گفتند: «سلامت فکر، عمل و اخلاق در نیروی انتظامی»، ضمن جلب پشتیبانی مردم، ارتباط نیرو با قشرهای مختلف مردم را صمیمانه خواهد کرد. تمدن نوین اسلامی با تعریف قرآنی با استناد به آیه ۱۱۲ سوره نحل بیانی جامع و مانع است: «ضرب الله مثلاً قریه کانت آمنه مطمئنه»: «خانه‌ای که در آن خانه، امنیت کامل حکم‌فرما و اهلش در آرامش و اطمینان زندگی کنند و از هر جانب روزی فراوان به آنها رسد». تمدن نوین اسلامی با تکیه بر تفکر منطق‌فازی «A و غیر A»، تمدن‌های مبتنی بر جهان ماده غربی را مردود نمی‌شمارد، زیرا جهان ماده را نردبان و مزرعه صعود و کمال و آخرت می‌داند. اینکه دولت‌ها و ملت‌ها و تمدن‌ها یا با ما هستند یا علیه ما؛ اینکه دولت‌ها و ملت‌ها یا تحت سیطره ما هستند یا محکوم به نابودی، یعنی «A یا غیر A»، در تمدن نوین اسلامی جایگاهی ندارد. بیان ویژگی‌ها و مؤلفه‌های برجسته این تمدن تمایز آن را با تمدن غربی نیز مشخص می‌سازد:

– عنصر حکمت و دانایی: بنیان آموزه‌های اسلام بر خرد و اندیشه است: «مَنْ يُوْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا»؛ آن هم حکمتی با درک همه مدارج زیرین برای دست یافتن به حقایق عالم با اختیار و اراده انسانی و به یقین تعمق، تحقیق، اجتهاد و نه تقلید کورکورانه، خضوع و بندگی عالمانه و نه تسلیم جاهلانه، از لوازم این مؤلفه هستند.

– مؤلفه انسان: البته نه انسان سکولار و بریده از خدا، بلکه خلیفه خدا و با اندیشه فازی و با کارویژه‌های فرعی مانند مقوله آزادی، کرامت، جاودانگی، عدالت، امنیت و... که در این تمدن مهم است.

– نوع نگاه به و شناخت از جهان و هستی و جان جهان یعنی خداوند و تزریق عنصر تشکیکی و ذومراتبی در جهان‌شناسی حکیمانه – از واجب‌الوجود به عنوان فعلیت محض تا ماده اولیه که فعلیتی جز عدم فعلیت نیست. مؤلفه مهم دیگر است. در این تمدن، حتی ارتباط خالق هستی و موجودات عالم، صفر و یک نیست، بلکه خداوند با نگاه توزیعی در هستی حاکمیت دارد که «بسیط الحقیقه کل الاشیاء و لیس بشیء منها» است.

– هدفمند بودن هستی: عالم، حاصل تضاد تصادفی ماده بی‌جان و بی‌شعور نیست، بلکه هدفی در خلقت عالم به ویژه شاهکار خلقت – انسان – وجود دارد: «فحسبتم انما خلقناکم عبثاً». بدون داشتن یک نظریه مناسب درباره معناداری عالم هستی، نمی‌توان به گونه‌ای مناسب، انسان و شرایط زندگی مناسب او را مورد توجه قرار داد.

– جامع‌نگری به کلیه امور هستی و کلیه مراتب وجودی انسان: حذف یک یا چند بعد از ابعاد وجودی انسان و گرایش به تک‌ساحت‌گرایی و فروکاهش‌گرایی، ظلم به انسان است. در معرفت‌شناسی جامع‌نگر و منطبق با خارج آن هم با روش دیالکتیکی، همه الگوها دیده می‌شود و همه یافته‌ها به کار می‌رود. حصر‌گرایی روش‌شناختی و تمسک به یک ساحت معرفتی و نفی ساحت‌های دیگر به ویژه در تبیین پدیده‌های چندتباری که در تمدن و سیاست یعنی روش‌شناسی صفر و یک غرب امروز در نظام هندسی فازی به شدت محکوم است.

– عدالت و صلح مبتنی بر عدالت: «و تَمَّتْ کَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَّ عَدْلًا...». عدالت امری تابع دین و برگرفته از دین نیست، بلکه خود، مفهومی مطلق و مستقل است؛ به بیان دیگر، دین، مقیاس عدل نیست، بلکه عدل، مقیاس دین است. صلح نیز چنین ویژگی‌ای دارد و تحقق عملی این دو در تمدن نوین اسلامی، توأمان صورت می‌گیرد و در صورت جدایی آنها از یکدیگر، نه صلح می‌ماند و نه عدالت. شاکله تمدن‌ها به انسان‌های مختاری وابسته است که با تربیت صحیح و بنیادین و اصولی، خود را شریک فراز و فرودهای این تمدن می‌دانند.

- مردم‌سالاری در تمدن نوین اسلامی: علاوه بر سه مؤلفه مهم عقلانیت، عدالت و قانون، دیانت نیز یکی از شاخصه‌های مردم‌سالاری دینی است و به تبع، آزادی و کرامت انسانی معنا می‌یابد. حقیقت آزادی در چارچوب عقلانیت دینی با دو رکن عصیان و تمرد و رکن تسلیم و انقیاد (لا اله الا الله) تحقق می‌یابد. بدون عصیان و تمرد، رکود و اسارت حاصل می‌شود و بدون تسلیم و انقیاد، هرج و مرج پدیدار می‌گردد. آزادی انسان، به جنبه درونی او که روح آزاد و آزادی‌خواه است، مربوط می‌شود؛ در این صورت کرامت بر اساس عقل و تقوا نیز در پازل بزرگ این تمدن، جایگاهی ویژه می‌یابد.

- سبک زندگی و در محوریت آن، خانواده: شاکله انسانی تمدن، در خانواده شکل می‌گیرد و این انسان در خانواده، کرامت، عزت، احترام به خود و دیگران، عقلانیت و خردورزی را می‌آموزد. متأسفانه در قرون اخیر، سه ساحت فردی، منزلی و اجتماعی انسان به دو ساحت فردی و اجتماعی فرو کاسته که حاصل آن، علوم فربه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است بی‌آنکه وجه منزلی و خانوادگی در این علوم، جایگاه جدی و مستقلی داشته باشد.

- تلازم همشگي عمل با نظر: «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» و «الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» از مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی است.

- نظم و امنیت با بیان قرآنی: «ضرب الله مثلاً قريةً كانت آمنه مطمئنه». در مجموع هندسه معرفتی تمدن نوین اسلامی، رویکرد حصرگرا و یک‌بعدی‌نگر، مردود و رویکرد جامع‌نگر حاکم است. جان کلام اینکه تمدن نوین اسلامی با همه قدرت‌اندیشه‌ای و توان عملی شکل گرفته، ندای «هل من رقیب» دارد؛ اما بهوش باشیم که عمل ما، عامل تحقق آن است و دقت در عمل ما نیز ضامن بقای آن است تا وعده نهایی الهی تحقق یابد که «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ». باید اذعان کرد استکبار جهانی و مکتب پلورالیسم، توانسته است با ایجاد جهان‌بینی و سبک زندگی خاصی در مقطع خاصی، پاسخگوی نیازهای تک‌بعدی انسان در ساحت امور مادی و ظاهری باشد و بقبولاند که در این دنیا هر آن‌گونه که خواهی، زندگی کن و هر چه دیده بیند، باید دل کند یاد؛ در حالی که اسلام به معنای «تسلیم» نیز دارای مراتب عقلی، قلبی و جسمی است. اسلام که یک دین فطری است و خواستار تطبیق دین با تکوین است، می‌کوشد تا انسان را با اعتقادات، اخلاقیات و احکام، در همه ابعادش و در هر ساحتی از سنخ خود و با ابزارهای برهان، عشق و احکام، تسلیم سازد.

## نتیجه گیری

امروز جهان اسلام، به رغم طرح چنین تمدنی از سوی جمهوری اسلامی ایران، در دوگانگی بحران‌سازی قرار دارد. متأسفانه افراد متدین در فکر، ولی سکولار در سبک زندگی، دچار دوگانگی شده‌اند. منظور از سکولار، افراد بی‌دین جامعه نیست، بلکه مراد آن است که فرد حساسیت خود نسبت به باورهایش را از دست داده باشد. دنیای امروز دارای پنج ویژگی انسان‌محوری، تجربه‌گرویی، حس‌گرویی، رسانه و کمیت است. باید تأمل کرد که چگونه می‌توان ویژگی‌های فوق را با خدامحوری، عقل‌گرویی، قلب‌گرویی و تفکر جایگزین کرد؛ زیرا شاخص رشد و توسعه واقعی در فرد، جامعه، سازمان‌ها و بین‌الملل، باید فعال شدن احساس حضور خدا و فراگیری عبودیت خالص باشد. اگر به این سو حرکت کردیم، تمام زحمات ما معنادار خواهد شد. بحث سبک زندگی بحث بر سر محتوای یک تمدن بزرگ و درون‌مایه اصلی اسلام است. وقتی می‌گوییم سبک زندگی اسلامی منظورمان هویت اسلامی است. روشن است که در تمدن توحیدی اسلام با غنای آن، تدابیر لازم از جهت محتوای سبک زندگی نیز اندیشیده شده است و نرم‌افزار آن یعنی آیات و روایات در این زمینه به لزوم و کفایت وجود دارد که نیازمند ترجمه کتب دیگر نباشیم.

قصه نیروی انتظامی با همه مردم، حکایت موسی و شعیب در قرآن کریم است: «وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ ...»: «و هنگامی که موسی به سوی مدین روی آورد با خود می‌گفت: امید است پروردگار من رهبری‌ام کند به راه راست. و هنگامی که وارد شد به کنار آبی رسید. در آنجا گروهی از مردم را یافت که [به گوسفندان‌شان] آب می‌دادند و در نزدیک‌شان دو زن را دید که گوسفندان را از رها شدن باز می‌داشتند. موسی از آن دو زن از کارشان پرسید. گفتند منتظر آبیم که گوسفندان را سیراب سازیم که پدرمان پیر و فرتوت است. موسی گوسفندان آنان را سیراب کرد و به سایه‌ای نشست و به خدا می‌گفت: من هم نیازمند خیری هستم که می‌فرستی، که یکی از آن دو زن با کمال شرم و حیا باز آمد و گفت: پدرم ترا می‌خواند تا اجرتت دهد از برای آبی که به گوسفندان دادی. موسی بر پدر پیر حاضر شد و حال خویش باز گفت. شعیب خطاب به موسی گفت: غم مدار و نترس. یکی از آن دختران به پدر گفت وی را به کمک بگیر که بهترین است زیرا نیرومند و امین است. پس از آنچه بین موسی و شعیب گذشت، موسی گفت: ستجدنی ان شاء الله من الصالحين».

## منابع

- قرآن کریم
- آزمایش، علی (۱۳۷۴-۱۳۷۵)، درس حقوق جزای عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- آشوری، داریوش (بی تا)، گنجینه معارف، دانشنامه سیاسی، ج ۳.
- اخوان کاظمی، بهرام (بی تا)، امنیت و ابعاد آن در قرآن.
- اسلامی، رضا (۱۳۸۰)، مفهوم نظم عمومی و قلمرو اجرایی آن در حقوق بین الملل خصوصی ایران با عنایت به ماده ۹۷۵ قانون مدنی، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما محسن شیخ الاسلامی، دانشگاه شیراز.
- بوزان (۱۳۷۸) به نقل از ویکی پدیا.
- جهان بزرگی، احمد (۱۳۸۸)، امنیت در نظام سیاسی اسلام: اصول و مؤلفه‌ها، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شریعتمدار جزایری، سید نورالدین، اصغر افتخاری و نجف لکزایی (۱۳۸۵)، «امنیت در اسلام»، مجله علوم سیاسی، ش ۳۴، تابستان.
- فاستر، مایکل بی (بی تا)، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، ج ۱.
- فرمایشات مقام عظمای ولایت در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی، در تاریخ‌های ۱۳۹۴/۲/۶ و ۱۳۹۵/۲/۱۹.
- لکزایی، نجف (۱۳۸۵)، «ضرورت تأسیس رشته فقه امنیت»، مجله علوم سیاسی، ش ۳۳، بهار.
- محمدزاده، رضا (۱۳۷۷-۷۸)، نظم عمومی در حقوق کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما محمد علی اردبیلی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.
- محمدی، علی (۱۳۸۱)، «نگاهی به مفهوم امنیت در جهان امروز»، جام جم، ۳۰ آبان.
- ویکی پدیا

- <http://ganj.irandoc.ac.ir/dashboard>

- <http://ourquran.blogspot.com/BalanceInTheWorld>



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی